

## به نام خدا

ارگ بم، ارگ بهارستان، قلعه ی الموت، ارگ تهران، ارگ تبریز و اسامی از این دست بارها به گوش ما خورده یا یکی از آن ها در شهر محل سکونت ما وجود دارد. ارگ، حصار، قلعه یا دژ در واقع به بناهای بلند و غالباً محصور گفته می شود که قدمت آن ها در ایران تقریباً همزمان با قدمت به وجود آمدن شهرهاست. ایران در سراسر تاریخ توسط حکومت ها و سلسله های متعددی حکمرانی شده و از ویژگی های این حکمرانان ساخت قلعه ها و دژهایی به عنوان مقر حکمرانی و اهداف مختلف دیگر بوده. ارگ تبریز یا ارگ علیشاه که تنها بنای مرتفع تبریز با ارتفاع بیست و شش متر به حساب می آمده که حتی از دوردست ها هم دیده می شده، یک بنای خشتی با شکوه هست که هفتصد سال قدمت دارد.

### موقعیت مکانی

موقعیت این بنا از لحاظ دسترسی بسیار سراسر است و راحت است چون در مرکز شهر و نزدیکی میدان ساعت قرار گرفته. این بازمانده ی دیدنی از دوران حکومت ایلخانان با وجود قدمت و زیبایی و کاربردهای گوناگونی که از ابتدا تا کنون داشته، متأسفانه آنگونه که باید مورد توجه قرار نگرفته. این حرف رو به یاد داشته باشید تا بعد درباره ی این تغییر کاربری های متعدد ارگ تبریز بیشتر صحبت کنیم. با این حال اگر برای سفر به تبریز و ماجراجویی در دل تاریخ ایران در حال تدارک فهرستی از دیدنی های این کلان شهر هستید، بازدید از این دیوار خشتی عظیم را از قلم نیناندازید.

### نوع معماری

بنای نخستین ارگ تبریز یا ارگ علیشاه همونطور که گفته شد در سده ی هشتم هجری به دست ایلخانان و به دستور خواجه تاج الدین علیشاه و با هدف ایجاد مسجد و آرامگاهی برای او پایه گذاری شد اما با مرگ علیشاه ساخت این بنا متوقف شد و کاربری و هدف از ساخت آن دچار تحولاتی شد. در حقیقت با وقوع جنگ های ایران و روسیه و پس از آن ایران و انگلیس به عنوان قلعه ی نظامی از آن استفاده شد. همچنین علیرغم استفاده از مرغوب ترین مصالح با وقوع زلزله ای که در قرن دهم تبریز را لرزاند، تا حدود زیادی فروریخت و تنها سه دیوار از آن باقی ماند. در زمان سلسله ی قاجار هم این قلعه از تغییر و تخریب در امان نماند و در پیرامون اطراف آن به دستور عباس میرزا ولیعهد دوره ی قاجار کارخانه ی ریخته گری توپ، عمارت کلاه فرنگی و سربازخانه ساخته شد تا این بنا کاملاً به یک بنای نظامی تبدیل شود. این دقیقاً همان چیزی ست که گفته بودم، بارها و بارها ارگ تبریز دستخوش تغییرات شد و انگار هر شخص و هر حکومت به شکل دلخواه خود یا فراخور شرایط خاص آن دوره می خواست به شکلی دیگر از این مکان استفاده کند. پیرو همین ماجرا بخش های اضافه شده در اطراف بنا برای بار دیگر در دوره ی پهلوی تخریب شدند و آنچه باقی ماند هم برای چندمین بار پس از انقلاب از بین رفت و تخریب شد. گویی سرنوشت این معماری این بود که ساخته شود تا تخریب شود.

اما امروز، آنچه برای من و شما باقی مانده تنها دیواره ی جنوبی ارگ است که در کنار آن مصلی بزرگ تبریز را میبینیم. بناهای ارزشمند دیگری همچون "مدرسه نجات" که از نخستین مدارس ایران بوده و "سالن تئاتر شیر و خورشید" نیز برای تبدیل این بنا به مصلی، قربانی شدند.